

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

## مبارزه علیه استبداد بسط می یابد

اینکه این پدیده تا چه حد ادامه خواهد یافت و مانور های اخیر شاه و فرح برای ایجاد یک چهره «مطبوعه» از رژیم تا چه اندازه ای کارگردانهای احتمالی این موج اعتراضی تازه را راضی خواهد کرد؟ آینده نشان خواهد داد. ولی در یک چیز تردید نیست: خشم و نفرت شدیدی نسبت به دستگاه جور و ستم، دزدی و فساد سلطنت مستبد محمد رضا شاه و خاندان سلطنتی نه تنها در دل مردم بلکه در قلوب قشر هایی از طبقات بالا انباش شده و کافی است که فرصت سیاسی مساعدی پیش آید تا این خشم و نفرت بروز کند. این پدیده نشانه نهج روز افزون و فعالیت شعاری است که حزب ما بعنوان شعار عمده سیاسی خود در شرایط کنونی مطرح کرده است؛ یعنی: مبارزه در راه بر انداختن استبداد.

توربینی نیست که تساط رژیم استبداد و ترور و غیره روش اقتصادی و سیاسی ضد ملی و ضد دموکراتیک آن هنوز پیش از آنست که این اقدامات محدود و پراکنده، بتواند آنرا سرنگون کند. ولی ما بر آنیم که ادامه پیگیرانه مبارزه در راه شعار تا کتیبه «حزب همراه با تأثیرات عینی سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم استبدادی در همه عرصه ها» ناچار این گره کور را در تلیخ ایران بدست خلق خواهد گشود. این واقعیت که رژیم با سیاست خارجی و داخلی خود پیش از پیش در جهان امروز بوسله تاجور بدل میشود، این واقعیت که خود کشکی و خود خواهی شاه و خانواده پهلوی محور مرکزی تصمیم گیریهای ضد خلقی و ضد ملی است، نمیتواند افراد آنرا تشدید نکند. نمیتواند در جهان پر تحول امروز برای رژیم بی عواقب بماند.

آنچه که اکنون میتوان گفت آنست که واقعیات ذکر شده صحت مشی اتخاذ شده از طرف حزب ما را ثابت میکند ولی مشی صحیح فقط زمانی که با جلب نیروی مردم به قدرت مادی بدل شود، قمار است مؤثر واقع گردد. در این راه است که باید با تمام قوی کوشید. در این راه است که باید همه دشمنان استبداد موجود عمل خود را متحد کنند. بی عملی و تفرقه بطور عینی، صرف نظر از هر نیتی که در میان باشد، بهترین خدمت است به رژیم استبداد.

رژیم استبدادی و ترور و اختناق که در کشور از مبدأ کودتای ۲۸ مرداد با حدت و شدتی استقرار یافته، روز بروز قشر های تازه ای را به یه خود برمی انگیزد. دامنه این مبارزه در حال تن است. مذهبهاست کارگران و دهقانان پیشرو، تشرهائی وینان و روحانیون، هواداران سازمانهای سیاسی، سند رژیم در داخل و خارج کشور با این رژیم اند. این مطلب تازه ای نیست. آنچه که در دوران اخیر میتوان آنرا پدیده بشمار آورد، آنست که افراد و عناصری که طبقات و قشر ها و سازمانهای نامبرده نیستند بسا مدتها با رژیم موجود از راه مداخلات عملی اند، با خرید خطرات و عواقب محتمل عمل خود، استبدادی، در داخل کشور، بمیدان آمده اند. پس از تشکیل حزب واحد دولتی رستخیز، تند مظفر بقالی، خلیل آذر، دکتر پهلوی، علی اصغر جواهری با شکال مختلف، نظریات انتقادی خود را دند، کمی در تیرت سرهنگ باز نشسته امیررحیمی رعلی اصغر حاج سید جواهری نامه های انتقادی ده خود را انتشار دادند. حتی در مطبوعات زیر رژیم کسانی مانند احمد احرار و خواجه توری بی پی برده بانتهاد از استبداد پرداختند. جالب حتی یکی از مبلغان رژیم در باره ضرورت دادن خلق در تصمیم گیری سیاسی آنچنان نوشت که برخی از نشریات علمی تهران اپ آنرا جالب شمرده اند. موازی پایان جریان در خارج از کشور، در امریکا و اروپای غربی بود را علیه رژیم آغاز کردند. نشریات تازه ای آمد. کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی عده ای از کشورهای از اقوام سرشناسی تشکیل واتی به زبانهای مختلف نشر یافت.

ا توجه به شخصیت و موقعیت افرادی که آمده اند و تعلق آنها به محافل مختلف، میتوان که لایه دیگری از جامعه، انتقاد خود را از کرده است. در این میان دو جزوه انتقادی تاج سید جواهری، علی رغم لحن ضد کمونیستی طاری استدلالات جالب و متع بر ضد استبداد رژیم است.

## اجلاسیه سالیانه شورای پیمان نظامی تجاوزکار «سمنتو» در تهران

از پیمان نظامی تجاوز کار سمنتو را مطرح کردند. از سوی دیگر در روابط ترکیه عضو دیگر پیمان با ایالات متحده امریکا بر سر مسائل گوناگون اختلافاتی وجود دارد که در اظهارات وزیر امور خارجه ترکیه در اجلاسیه شورای سمنتو در تهران منعکس گردید. وزیر امور خارجه ترکیه اظهار داشت روابط ترکیه با امریکا نمیتواند ضربات جدیدی را تحمل کند. این واقعیت که کشور های عضو پیمان های نظامی امپریالیستی هر یاز که در روابط آنها با ایالات متحده امریکا تیر گیهائی ایجاد میشود به نشانه اعتراض علیه سیاست امریکا در روابط با خود از شرکت در جلسات پیمان، لاقال با اعزام یک هیئت نمایندگی خاص امتناع میورزند و یا دولت امریکا را به خروج خود از این پیمان تهدید میکنند، نمایانگر آنست که پیمانهای نظامی تجاوز کار که از جانب محافل امپریالیستی سر هم بندی شده و از آنجمله پیمان سمنتو با منافع ملی و امنیت خالقهای این کشور ها کمترین پیوندی دنباله در صفحه ۲

تضاد و اختلاف میان پاره ای از اعضای این پیمان با ایالات متحده امریکا بود که عملا در این پیمان نقش رهبری کنند را برعهده دارد. چهارم ماه مه سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان در کراچی رسماً اعلام کرد که وزیر امور خارجه پاکستان در اجلاسیه توبتی پیمان سمنتو شرکت نخواهد کرد. این تصمیم به نشانه اعتراض علیه اقدامات مداخله گرانه امپریالیسم امریکا در امور داخلی پاکستان که چندی پیش از جانب بوتو شدیداً محکوم گردید اتخاذ شد. تصمیم دولت پاکستان مبنی بر عدم شرکت در اجلاسیه سمنتو از جانب مردم پاکستان با پشتیبانی و تأیید و برپا شد. در شهر های مختلف پاکستان و از جمله در شهر روالپندی جلوی بلی « مرکز فرهنگی امریکا، تظاهرات توده های مردم به نشانه اعتراض علیه سیاست مداخله گرانه امپریالیسم امریکا با شعار های ضد امریکائی برپا گردید. کارگران، اتحادیه ها و تعدادی از سازمان های اجتماعی پاکستان ضمن محکوم کردن مداخله امریکا در امور داخلی کشور خواست خروج پاکستان

## مجمع جهانی

### سازندگان صلح در ورشو

از روز ۶ تا ۱۱ ماه مه مجمع جهانی سازندگان صلح در شهر ورشو با شرکت نمایندگان ۱۲۵ کشور از قاره های مختلف و بیش از پنجاه هیئت نمایندگی از سازمانهای صلح که شماره آنها از یک هزار و پانصد نفر تجاوز میگرد تشکیل شد. هدف این کنفرانس که از نیروهای گوناگون اجتماعی جهان با عقاید مختلف سیاسی، ایدئولوژیکی و مذهبی گرد هم آمدند، ولی در یک مسئله مهم و حیاتی برای جامعه بشری وحدت نظر دارند، توحید مسای برای تشدید مبارزه در راه صلح و ترقی بود جملعه انسانی بود. در این کنفرانس جهانی مسائلی از قبیل پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی، امنیت و همکاری، صلح و عدالت در خاور نزدیک، همبستگی با مبارزات ضد سیاست ژوئی و (آپارتاید)، صلح و استقلال ملی، حقوق بشر، علیه فاشیسم و نئوناشیسم، حمایت از محیط زیست و رشد و تکامل نظم جدید اقتصادی بین المللی، مطرح شد که در محیطی آزاد و دموکراتیک مورد بحث و نتیجه گیری قرار گرفت. در باره هر یک از مسائل مطروحه قطعنامه هایی باتفاق آراء بتصویب رسید و در پایان جلسات وسیعی که در سه کمیسیون، چهارجلسه قاره ای، هفت میز گرد و پنج گروه آئی تشکیل شد، پیام جامعی خطاب به همه مردم جهان باتفاق آراء تصویب گردید. این مجامع به نیروهایی که در پیکار بظاهر صلح شرکت میکنند تکلان و نیروی تازه ای داد. نمایندگان کمیته صلح ایران و نماینده سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران در عده ای از کمیسیونها شرکت کردند و اوضاع ایران را در چارچوب مسائل طرح شده بیان داشتند.

در کمیسیون مربوط به فاشیسم و نئوناشیسم قطعنامه ذیل در باره ایران باتفاق آراء بتصویب رسید: «شرکت کنندگان در مجمع جهانی سازندگان صلح، صلح محکوم میکنند»

اعلامهای بسیاری از همین پرستان و پراتیک، روزانه کشتن مخالفان را؛

بکار بستن همه نوع شکنجه از طرف ساواک، دو پلیس سیاسی شاه را؛

دخالت نظامی ایران در خارج از مرز های خود بویژه در عمان؛

آنها میطلبند؛

آزادی همه زندانیان سیاسی را که شعله، آنها به دهها هزار میرسد، قطع نظر از عقاید، سیاسی و مذهبی آنها؛

دنباله در صفحه ۲

## تسلیم شانناژ نباید شد

در دوران اخیر، از یکسو در مطبوعات رژیم و از سوی دیگر در نشریات گروهکهای مائوئیستی، تروتسکیستی و نظائر آنها، سروصدای فراوانی بلند شده است که گویا برخی از نیروهای اوپوزیسیون ضد رژیم در موضع ضد توده ای و ضد شوروی خود تجدید نظر کرده اند و با حزب توده ایران و اتحاد شوروی وارد سازش، «همکاری» و «اتحاد» شده اند. و این بنظر آنها البته «گمراهی» است، «انحراف» است، «خیانت» است و در نتیجه «خطرناک» و «یکبار برای انقلاب سفید» و دیگری برای «انقلاب سرخ»! و به این مناسبت یکی از موضع فاشیسم به خشم و هراس افتاده است و دیگری از موضع «کمونیسم»! قضیه چیست؟

امپریالیسم و ارتجاع، در تبلیغات ضد کمونیستی خود، کوشیده اند و میکوشند که از کمونیسم یک شیطان مجسم، بسازند. بر این اساس نه فقط کمونیست بودن، کمونیست شدن، بلکه هر گونه همکاری و اتحاد با کمونیستها، هر گونه نزدیکی و دوستی با کمونیستها و حتی هر گونه بر خورد عینی و بیطرفانه به کمونیستها، کسر محض است و لذا محکوم و سزاوار هر گونه ظمن و لحن و مجازات! ایجاد تصویر «شیطان مجسم» از کمونیسم، از جانب امپریالیسم و ارتجاع، باد و هدف عمده انجام میگیرد: نخست آنکه در برابر پیشرفت کمونیسم سنی بوجود آید. دیگر آنکه از اتحاد کمونیستها با سایر نیروهای ملی، دموکراتیک و مترقی جلوگیری شود. زیرا که هم پیشرفت کمونیسم و هم اتحاد کمونیستها با سایر نیروهای ملی، دموکراتیک و مترقی بمعنی نزدیک تر شدن مرگ امپریالیسم و ارتجاع، بمعنی هموار شدن راه برای نیل بشریت به صلح، استقلال ملی، آزادی، دموکراسی، عدالت و ترقی است.

امپریالیسم و ارتجاع، در وجود مائوئیستها، تروتسکیستها و گروهکهای مشابه، متحدینی یافته اند که همین دو هدف را، البته با تقاب مچپ و وحشی مارکسیستی، و «کمونیستی»، دنبال میکنند.

دنباله در صفحه ۲

**بمناسبت اول ژوئن روز بین المللی کودکان از همه مادران و پدران طلب میکنیم تا مبارزه خود را برای بهروزی و آینده شاد کودکان خویش شدت بخشند.**

## برگزاری مراسم در پای تندیس بیاد خسرو روزبه

روز ۲۱ اردیبهشت، بمناسبت روز شهادت خسرو روزبه، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران، روز زندانیان سیاسی ایران، مراسمی در شهر قیامتورومانو (ایتالیا)، برگزار شد. دسته های گلی از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران، شهرداری شهر رومانوفیانو، سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران در پای تندیس بیاد بود خسرو روزبه گذارده شد. بعد از «خانه مردم» میتیگی با حضور رفیق لوتیچی لوتیچی رئیس حزب کمونیست ایتالیا تشکیل شد. شهردار به این مناسبت صحبت کرد. نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران سخنرانی نمود. رفیق لوتیچی نیز صحبت گرمی در همبستگی با مبارزه مردم ایران و حزب توده ایران در راه آزادی کرد.

## اعلامیه

فانۀ اتحادیه بین المللی دانشجویان  
شرایط زندانیان سیاسی در ایران

بسیست و چهار سالی که از کودتای سیاستخته میگذرد، مردم ایران در شرایط ترور زندگی و از مظاهر شوم سیاست غیر انسانی و دهشتناک بی شاه رنج میبرند. حقوق انسانی پایمال از آزادیهای سیاسی و دموکراتیک خبری نیست، توده های سیاسی از حق فعالیت بی بهره اند، دهقانان، دانشجویان و روشنفکران مورد قرار میگیرند و اقدامهای خونین ادامه مییابد. مونه ای چند از ویژگی های بنیادی رژیم ران

کمی از جنبه های مهم رژیم ایران، که نگرانی ترقیخواه و دموکراتیک سراسر جهان را

۴. شرایط زندانیان سیاسی ایران است، که آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ تخمین زده میشود.

دنباله در صفحه ۲

اجلاس هیئت عالی شورای پیمان نظامی ...

نمانند، بلکه منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی امریکا است که این کشورها را به گروه نظامی و سیاسی خود پیوند داده و آنها را زیرمجموعه خود در نظر گرفته است. متعاقباً عضو پیمان می‌تواند تحمل کند که ابزار اجرای بی چون و چرای تشنه های سیاسی و نظامی آن باشند. با اینکه روند حوادث بیست ساله این منطقه و روند تشنج زدائی در عرصه جهان در سالهای اخیر، علیرغم کوششهای محافل نظامی امپریالیستی پیمان سنتو را در همان چارچوب محمود نگهداشته و دیگر کشورهای این منطقه از شرکت در آن امتناع ورزیده اند و در نتیجه این پیمان نظامی و بیگانه تاجور و پدیدینه منسوخ تبدیل کرده، اما اعضای آن و قبل از همه ایالات متحده امریکا و ایران اصرار دارند بر زندگی آن دوام دهند و جان تازه به کالبد آن بدمند. پس از پایان اجلاس هیئت عالی شورای سنتو در تهران اعلامیه مشترکی از جانب شرکت کنندگان در اجلاس هیئت عالی صادر گردید که در آن مانند گذشته تلاش می‌شود که حفظ و تقویت این پیمان که گویا بقع صلح و امنیت و تواضع منطقه است توجیه شود. در اعلامیه همچنین تأکید شده است که کشورهای عضو پیمان در آینده نیز با خطر اقدامات خرابکارانه (منظور جنبش های رهایی بخش ملی است) مبارزه خواهند کرد. با اینکه در این اعلامیه مشترک با توجه به روح زمان مطالبی در باره نگرانی اعضای پیمان نسبت به سرکوشش صلح و امنیت گنجانده شده، اما این مطالب منویات و هدفهای واقعی را که پیمان سنتو و دیگر پیمانهای نظامی تجاوز کار امپریالیستی تعقیب میکنند، نمیتواند پاره پوشی کند. دول امپریالیستی و رژیم دیکتاتوری و ضد ملی محمد رضا به پیروی از همین نیات تجاوز کارانه است که برای توسعه و جان بخشی به کالبد پیمان سنتو در تکاپو هستند. تشکیل اجلاس هیئت عالی پیمان سنتو در تهران بلافاصله پس از برگزاری اجلاس هیئت عالی نظامی تجاوز کار ناتو که در لندن انجام گرفت نشانه ای از تلاشهای امپریالیسم امریکا برای شتاب بخشیدن به برنامه های نظامی سازی و مسابقه تسلیحاتی است. پیمان نظامی تجاوز کار سنتو از نخستین روز تشکیل همواره موجب ایجاد وخامت در اوضاع منطقه و وسیله تهدید محافل امپریالیستی علیه رژیمهای مترقی و ملی کشور های منطقه بوده است. این پیمان نظامی که طبق نقشه محافل نظامی تجاوز کار امپریالیستی علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی تشکیل یافت از همان آغاز مأموریت سرکوب جنبشهای رهایی بخش ملی در منطقه را نیز بعهده داشته است. محافل امپریالیستی این پیمان را یکی از حلقه های تکمیلی پیمان ناتو و بهمانه جناح جنوبی آن میدانند. امریکا ایسم امریکا و ستاد فرماندهی ناتو میکوشند از پیوند دادن پیمانهای نظامی سنتو و آنزوس، که استرالیا و زلاند جدید و امریکا عضو آن هستند با پیمان ناتو، نفوذ سیاسی و نظامی پیمان ناتو را بر سراسر منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند گسترش دهند و سراسر این منطقه را زیر نظارت خود قرار دهند. امریکاییسم امریکاییکوشد پیمان سنتو را به شعبه فعال ناتو و حلقه محکمی در زیرمجموعه پیمانهای ناتو، آنزوس و نیز پیمان نظامی تازه ای در ناحیه جنوبی اقیانوس هند در دست طرح است تبدیل کند. این مطلب که امریکاییسم امریکا قصد دارد از سلسله پیمانهای نظامی یک سیستم جهانی پیمانهای تجاوز کار تشکیل دهد، بارها در مطبوعات کشور های مختلف و از جمله مطبوعات خود ایالات متحده امریکا بازتاب یافته است. امریکاییسم امریکا برای اجرای این برنامه خود علاوه بر کوشش در زمینه تقویت پیمان سنتو، نیروهای مسلح رژیمهای مانند رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه را که تکیه گاه قابل اعتماد اجرای سیاست آن هستند با صدور تسلیحات و اعزام کارشناسان نظامی و توتویت و برانده پنتاگون تبدیل میسازد و از سوی دیگر حضور نظامی خود را در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند گسترش میدهد. از سال ۱۹۶۶ که تخلیه واحد های انگلیسی از این منطقه آغاز شد، رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه سیاست نظامیگری و مسابقه تسلیحاتی پر شتابی را در پیش گرفت و سالیانه میلیارد ها دلار از درآمد ملی ایران و پس از افزایش درآمد نفت بخش اعظم درآمد از این ثروت ملی را در راه خرید های کلان تسلیحات، افزایش نیرو های مسلح و استخدام هزاران کارشناس و مستشار نظامی امریکا بمصرف رساند. از سوی دیگر امریکا مصیره در بحر عمان و دیاگو گارسیا واقع در مرکز اقیانوس هند را به پایگاه نظامی دریائی و هوایی خود تبدیل ساخت. در دوران جنگ تجاوزی امریکا علیه

من البرز بلندم

من البرز بلندم  
 مو سفید و چهره پر چین  
 کشیده بر سما / من عشق خاتم  
 از این بالا بر این دشت پر آشوب  
 بدیدم صد هزاران خوب و بد در طول تاریخ  
 از این بالاست می بینم  
 کوه زاگرس را در باختر  
 هیرمند گل آلود را در خاور  
 خلیج فارس را  
 در آستوی جنوب گرم  
 می بینم دکل های نفت را  
 پیدرپیدر  
 که شعله اش سر میکشد بر آسمان بلند  
 شعله زندگی  
 می شوم فریاد آن دکل آهنین را  
 که هر دم میزند فریاد  
 هموطن ها گرد هم آیم  
 سوز سرد / میان / در یکسوم  
 گرمی خشک کویر در سوی دیگر  
 این خون و زندگی می ماست  
 که دشمن بتلراج دیگران میدهد  
 نهاده نام خود ایرانی ولی بسته بزنجیر ستم  
 مرد و زن ایران که / غارتگر / نمیخواهند  
 می بینم / بیا خیزید فرزندان کاوه  
 عاشقان آزادی و آبادی این دشت  
 این چهره های پر غم و پر رنج  
 این درد کشتهای هزاران ساله / این مردم  
 که باشد زخمها بر پیکرشان در ره پیچیده تاریخ  
 می بینم شما را / عاشقان راه آزادی  
 می بینم جوانان وطن  
 که می غلطند در خون  
 گاه در بن بست میمانند  
 صدائی دیگر بس بر طنین  
 و آن / از نهاد خلق  
 صدائی همصد با کارگر / دهقان  
 ندائی هم ندای زنجیر  
 که آنرا میشناسد خلق من  
 که آنرا میشناسد زندگی / تاریخ  
 که او خود میشناسد درد ها را  
 در مان آنرا نیز میداند  
 بخوبی میشناسد دشمنان را  
 چاره را در یک نبرد مشترک میجوید و پس  
 برای جبهه ای بر ضد استبداد  
 فرا خواند هر آنکس را که باشد دشمن بیباد  
 ش ی

تسلیم شانتاز نباید شد

اینرا هم میدانیم که شکل مشخص آنتی کمونیسم در دوران ما / چه از راست و چه از چپ / آنتی سوسیالیسم و مبارزه با احزاب مارکسیست - لنینیست و انترنلسیولیست است.  
 متأسفانه نمیتوان گفت که امپریالیسم و ارتجاع و گروهکهای مائوئیستی / تروتسکیستی و نظائر آنها در مبارزه آنتی کمونیستی خود هیچگاه موفق نبوده اند و نیستند. نه فقط به این دلیل که آنتی کمونیستهای راست و چپ / در مبارزه ضد کمونیستی خود بی پروا از دروغ و جعل و تحریف و اتهام استفاده میکنند / بلکه به این دلیل نیز که برای آنتی کمونیستهای راست و چپ / روح جهل / عقب ماندگی / ناسیونالیسم / خرافات مذهبی و نظائر این میراث شوم جوامع طبقاتی / زمینه عینی مساعد و مناسبی است. زهر آنتی کمونیسم آنتیخان قوی است که حتی برخی از عناصر سالم و صادق غیر کمونیست را هم تحت تاثیر قرار میدهد. خود طاری برخی از این عناصر از اتحاد با کمونیستها و حتی شرکت در جهاد ضد کمونیستی از جانب برخی از آنها / فقط بر این اساس قابل توجیه است.  
 ولی بول معروف حقیقت را نمیتوان برای همیشه از عدای پنهان داشت. حقیقت را میتوان برای مدتی از همه پنهان داشت. اما حقیقت را نمیتوان برای همیشه از همه پنهان داشت.  
 زمانی بود که برخی از نیروهای بالکوه و با لعل انقلابی / برخی از نیروهای سالم و صادق ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری و حتی برخی از علاقمندان به کمونیسم و مارکسیسم - لنینیسم / تحت تاثیر زهر آنتی کمونیسم / تحت تاثیر تبلیغات ضد توده ای و ضد شوروی / در بر خورد با حزب توده ایران و اتحاد شوروی عملاً در موضع امپریالیسم و ارتجاع و گروهک های مائوئیستی / تروتسکیستی و نظائر آنها قرار داشتند. ولی زندگی بیش از پیش نشان میدهد که اتحاد شوروی نیرومند ترین و مطمئن ترین تکیه گاه جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی جنبش جهانی است و حزب توده ایران استوارترین و پیگیر ترین نیروی انقلابی و ضد امپریالیستی در همین ماست / که سیاست ضد توده ای و ضد شوروی بطور عینی همزمانی و همگامی با امپریالیسم و ارتجاع است و لذا برای جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی در جهان و در ایران زیان بخش / این واقعیت است که هر روز با سر سختی بیشتری پیش میخورد / نمیتواند در آن عناصر سالم و صادق انقلابی / که متأسفانه تا کنون / بیل پیش گفته / در مواضع خصمانه و آشکار ضد توده ای و ضد شوروی قرار داشته اند / تأثیر نکند / آنها را بخود نیلورد و به تصحیح این سیاست نادرست و زیان بخش وادارند. از همینجاست که می بینیم نیرو های سالم و صادق در اوپوزیسیون غیر توده ای / از سیاست هیستریک ضد توده ای و ضد شوروی برانگیخته / از جانب عوامل رژیم و گروهکهای مائوئیستی / تروتسکیستی و نظائر آنها به تدریج فاصله میگیرند / بدون آنکه البته هنوز از مواضع ضد توده ای و ضد شوروی خود یکلی دست بردارند. ولی حتی همین « تخفیف » که از مواضع اصولی و واقعاً انقلابی هنوز فرستگها فاصله دارد / موجب خشم و هراس آنتی کمونیستهای راست و چپ / شده و باران ناسزا و اتهام است که از جانب آنها بر سر این نیروها فرو میریزد. با کمال تأسف باید گفت که شانتاز آنتی کمونیستهای راست و چپ / در نیرو های سالم و صادقی که میکوشند از موضع خصمانه ضد توده ای و ضد شوروی فاصله بگیرند / بی تأثیر نبوده و نیست و تظاهر آنها در واکنش این نیرو ها بصورت تجدید اظهارات ضد توده ای و ضد شوروی و / تأیید موضع سابق / دیده میشود. علت آنها روشن است: از یکسو عناصر مشکوکی که در بین نیرو ها وجود دارند و هنوز افشاء نشده اند / باتمام قوا برای این روند سالم / برای حفظ / مواضع سابق / برای تسلیم به شانتاز تلاش میکنند. از سوی دیگر / بدلائل پیش گفته / هنوز زهر آنتی کمونیستی و پیشداوری ضد توده ای و ضد شوروی در این نیرو ها وجود دارد / این نیرو ها هنوز / هم به شانتاز میدان میدهند و هم در برابر شانتاز تسلیم میشوند.

رضا شاه بر خلاف منافع ملی مردم ایران و مصالح صلح و امنیت منطقه با پیروی از منویات محافل امپریالیستی سیاست نظامیگری و تجاوز کاری خود را ادامه میدهد. ح / پتروک

اعلامیه دبیرخانه اتحادیه بین المللی دانشجویان  
 اینان تقریباً همه قشر های مردم / از جمله کار روشنفکران / عناصر مذهبی / دانشجویان و نه عقاید و نظریات گوناگون را در بر می و اقامت اضطراب انگیز آنست که در سالهای هر چه بیشتر از ایرانیان بوسیله ساواک (سازمان پلیس سری) ربوده / شکنجه و کشته میشوند. اینگونه قربانیان در چهار سال اخیر متجاوز بوده است.  
 دبیر خانه اتحادیه بین المللی دانشجویان / اختناق آمیز حکومت ارتجاعی ایران را علیه جوانان و دانشجویان ایران شدیداً محکوم / پشتیبانی و همبستگی خود را با مردم ایران آنان علیه امپریالیسم و ارتجاع / برای استقلال و اقتصادی راسخین و در راه استقرار آزادیهای دم و پیشرفت اجتماعی اعلام میدارد.  
 بمناسبت ۱۱ مه / روز زندانیان سیاسی دبیرخانه « ا. ب. د. » ندای خود را در هوادار داد خواهانه جوانان و دانشجویان ایران در راه آزادی و بلا شرط همه زندانیان و بازداشت شد سیاسی / تضمین استقلال دانشگاه / استقرار آ سیاسی و تجدید فعالیت سازمانهای توده ای و دم / بلند میکند.  
 دبیر خانه همه سازمانهای دانشجویی و افکار عمومی جهان را فرا میخواند که با اعتراض و وحشیگری / احترام به حقوق بشر و فوری زندانیان و بازداشت شدگان سیاسی / خواستار شوند.  
 دبیر خانه « ا. ب. د. » / پراگ / مه ۱۹۷۷  
 مجمع جهانی سازندگان صلح در ورشو  
 قطع فوری هر نوع شکنجه زندانیان سیاسی / برقراری آزادیهای اساسی دو کراتیک مردم / ویژه قانونی کردن همه احزاب و گروه / سیاسی / پایان دادن به سیاست لجام گسیخته تسلیم / محکومت ایران که خطر آشکار برای صلح منطقه / در تمام جهان است / خارج کردن نیروهای نظامی مداخله جوی / که در خارج از مرز های ایران هستند و / باز هر چیز ارتشی که در طغیان است / ممنوع کردن فعالیت و اقدامات ساواک در / از ایران / در کمیسیون مربوط به صلح و حقوق بشر / گزارش کمیسیون ایران در ردیف کشور های گرفته و از آن یاد شده که در آنها آزادیهای مردم را وحشیانه و سبانه پایمال میکنند.  
 ولی اگر درست است که نا درست و زی سیاست ضد توده ای و روش تفرقه جوانه و نفاق / در بین نیرو های ضد رژیم بیش از پیش آشکار / اگر درست است که بهمین دلیل نیرو های صادق غیر توده ای میکوشند از این سیاست فاصله بگیرند / آنوقت میدان دادن به شانتاز دلیل که باشد / خواه نا خواه / یکلی نقض است و عملاً آب به آسیاب کسانی میریزد راست و چپ / ولی متخادراً در تلاش آند سیاست و روش عمیقاً ارتجاعی و ضد انقلابی / اوپوزیسیون غیر توده ای حفظ و تشدید کند / همینجاست هشدار ما که تسلیم شانتاز نباید شد / بنظر ما / شهامت انقلابی فقط در این / که کسی آماده جانبازی باشد. شهامت انقلابی هم هست که فرد انقلابی بر موضع نادرست غلبه کند و از موضع درست برقم ناسزا و با استواری و پیگیری دفاع و برای پیشبرد آن کند. ما امید داریم که این شهامت انقلابی تمام اوپوزیسیون غیر توده ای بنشیند.  
 ح / پتروک